

سرمقاله

رسالت بانک مرکزی برای حفظ اعتماد عمومی

ادامه از صفحه یک...
سپرده‌ها به بانک ملی است، در حالی که دارایی‌های غیرنقد، مطالبات معوق و زیان‌ها تحت مدیریت سازکارهای رسمی شامل هیأت تسویه، صندوق ضمانت سپرده‌ها و شرکت مدیریت دارایی‌ها (AMC) قرار می‌گیرند، به عبارت دیگر، اولویت بانک مرکزی جلوگیری از انتقال مستقیم ناترازی‌ها به بانک ملی است و مراحل اجرایی این فرآیند مطابق رویه‌های معمول حقوقی و عملی در چنین شرایطی انجام خواهد شد. بر اساس اطلاعات‌ها، نخستین مرحله شامل پذیرش زیان توسط مالکان و سهامداران است و دارایی‌ها برای وصول مطالبات فروخته می‌شوند. مرحله دوم، مدیریت مطالبات و بدهی‌ها از محل دارایی‌های فروخته‌شده و تحت نظارت هیأت تسویه و AMC است. دارایی‌های غیرنقد و معوق به نهادهای تخصصی منتقل می‌شوند تا پس از ارزیابی، بازسازی، و مسول لازم‌برف، منابع لازم برای جبران زیان‌ها تأمین شود. این سازکار باعث می‌شود ریسک مستقیم ناشی از دارایی‌ها به بانک ملی منتقل نشود و فرآیند تسویه به تدریج انجام گیرد. نقش صندوق ضمانت سپرده‌ها و دیگر سازکارهای دولتی و نظارتی که طبق قانون نقش حمایتی ایفا می‌کنند، در این میان کلیدی است. هدف از این حمایت تضمین حقوق سپرده‌گذاران است و در صورت وجود شکاف مالی که منابع حاصل از وصول دارایی‌ها قادر به پوشش آن نباشد، دولت یا نهادهای دولتی با تصمیم سیاست‌گذار می‌توانند مابه‌التفاوت را تأمین کنند.
بنابراین، اثرات اقتصادی این اقدامات ممکن است در قالب برداشته شدن بار اقتصادی و پولی و بر اقتصاد وارد شود، ولی در کوتاه‌مدت باعث جلوگیری از تشدید بحران بانکی و هجوم سپرده‌گذاران خواهد شد.
منظر دارایی‌ها، تا زمانی که از ارزیابی و فروش دارایی‌های غیرنقد انجام نشود، نمی‌توان با قطعیت گفت که کفایت منابع برای جبران زیان‌ها کافی خواهد بود یا خیر. گزارش‌ها حاکی از آن است که زیان انباشته بسیار بزرگ است و بالغ بر ۵۰۰همت تخمین زده شده، اگرچه بخشی از دارایی‌ها نقدشونده و به بانک ملی منتقل شده است. حجم قابل توجه دارایی‌های غیرنقد و مطالبات معوق، همراه با عدم قطعیت در بازده وصول آنها، ضرورت ارزیابی رسمی توسط هیأت‌گیر و AMC را برپرت می‌کند. تنها پس از این ارزیابی می‌توان کفایت منابع و موفقیت فرآیند تسویه را به‌طور دقیق‌تر سنجید. سازکار اعلام‌شده برای دارایی‌های غیرنقد و مطالبات معوق، انتقال آنها به هیأت تسویه، صندوق ضمانت سپرده‌ها و هماهنگ‌سازی با تدریج ارزیابی، بازسازی، و وصول با فروخته‌شوند. این اقدام تضمین می‌کند که ریسک و زیان ناشی از دارایی‌ها در فرآیند تسویه شناسایی شده و به‌صورت یکباره به ترازنامه بانک ملی منتقل نمی‌شود، که این امر در شرایط فعلی برای حفظ ثبات و اعتماد عمومی ضروری است. حمایت قاطع و پیگیری مطالبات و همکاری میان نهادهای فراهم می‌آورد. بدون این حمایت، فرآیند تسویه می‌تواند طولانی شود، بازدهی کاهش یابد و هزینه‌های اقتصادی افزایش یابد. مقامات رسمی صریحا اعلام کرده‌اند که این اقدامات با هماهنگی سران قوا و بانک مرکزی انجام شده تا سپرده‌گذاران در امان بمانند. در کوتاه‌مدت، محدودسازی انتقال سپرده‌ها به بانک ملی و جلوگیری از گسترش بی‌اعتمادی می‌تواند از تشدید بحران بانکی و تسریع خروج سپرده‌ها جلوگیری کرده و فشار تورمی ثانویه ناشی از اختلال بانکی را کاهش دهد. اما در میان‌مدت یا بلندمدت، اگر هزینه تسویه از محل منابع دولتی تأمین شود، احتمالاً بازافزایش نقدینگی و فشارهای تورمی همراه خواهد بود. در مقابل، اگر تسویه از طریق واگذاری دارایی‌ها، مدیریت موثر آنها و پیگیری قضایی انجام شود، اثرات تورمی کمتر خواهد بود.

یادداشت

ترامپ از احیای آزمایش‌های هسته‌ای چه می‌خواهد؟

ادامه از صفحه یک...
که سلاح‌ها در سطح آزمایشگاهی تست نخواهد شد و در تمام این سال‌ها، سلاح‌های اتمی قدیمی از رده خارج و سلاح‌های جدید را آزمایش کردند. موضع ترامپ که در شبکه مجازی ت‌روث منتشر شد مبنی بر اینکه به وزارت جنگ دستور داده تا آزمایش‌های اتمی را به سرعت آغاز کند و گفته است، اگر کشورهای دیگر این کار را انجام دهند ما هم انجام می‌دهیم. مشخص نیست که آمریکا تصمیم دارد بی‌قید و شرط آزمایش‌ها را از سر بگیرد یا این تصمیم را به نوعی برای تهدید کشورها در بازداشتن آنها از آزمایش‌های اتمی اتخاذ کرده است. به هر حال روسیه و چین در حال تست سلاح‌های اتمی هستند، از این رو اصلی‌ترین نگرانی ترامپ، روسیه و چین است. با این حال نمی‌دانیم ترامپ کدام مسیر را پیش خواهد گرفت، اما روشن است ممنوعیتی که آمریکا بر اساس CTBT (پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای) کنار گذاشته بود، دیگر وجود ندارد.
اینکه تصمیم ترامپ چه وقت عملیاتی شود، معلوم نیست چون به لحاظ فنی کار آسان و سریعی نیست، شاید چند ماه طول بکشد تا آماده آزمایش فیزیکی سلاح اتمی شوند، اما به نظر می‌رسد چنین اراده‌ای در دولت آمریکا شکل گرفته است. ترامپ معتقد است روس‌ها سلاح اتمی آزمایش کردند و البته این اتفاق هم افتاده است؛ موشک کروز هسته‌ای و قاربعیمای «پوروستنیک» و اژدر «پوزیدون» ۲ سلاحی هستند که اخیراً توسط روسیه آزمایش شده و اعلام شده که آماده به کارگیری است. از طرفی اقدامات چین برای آمریکا نگران‌کننده است چون این کشور به سرعت در حال کاهش فاصله خود با آمریکا و روسیه در بحث سلاح‌های اتمی است. ممکن است ۱۰ الی ۱۵ سال دیگر تعداد کلاهک‌های هسته‌ای چین به روسیه و آمریکا برسد.

رئیس مجلس مانع تصویب برداشت تنخواه از بانک مرکزی شود



هادی قوامی، نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، در اظهاراتی هشداردهنده اعلام کرده است که در شش‌ماهه نخست سال جاری کشور با کسری بودجه‌ای در حدود یک میلیون و ۲۰ هزار میلیارد تومان مواجه است؛ عددی سنگین که بیانگر چالشی جدی در مدیریت منابع و مصارف دولت است. نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تأکید کرد: دولت برای جبران بخشی از این کسری، حدود ۲۹۰ هزار میلیارد تومان تنخواه از بانک مرکزی دریافت کرده و در تلاش است این موضوع را به تصویب سران قوا برساند تا به عنوان بدهی دولت ثبت شود. وی تصریح کرد: این رویکرد، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند بخشی از مشکلات مالی دولت را مرتفع سازد، اما در بلندمدت خطر تبدیل شدن به منبعی تازه برای خلق نقدینگی و تشدید تورم را در پی دارد. قوامی با اشاره به ضرب فرآینده نقدینگی، از مسئولان خواسته است در برابر چنین تصمیماتی با دقت و ایستادگی برخورد کنند تا روندهای مالی نادرست به چرخه‌ای جدید از تورم بدل نشود. نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در شرایطی که اقتصاد کشور تحت فشار تورمی و کاهش قدرت خرید مردم قرار دارد، هر تصمیمی در زمینه تأمین کسری بودجه باید با ملاحظات دقیق اقتصادی و مالی همراه باشد.

«تجارت» ضرورت بازنگری دقیق در تخصیص حمایت‌های معیشتی را تبیین می‌کند

پیامدهای حذف یارانه خانوارها



تومانی و اجاره‌ی سنگین، همان قدر یارانه بگیرد که خانواده‌ای در شهری کوچک با هزینه‌های زندگی بسیار پایین‌تر. این بی‌توجهی به تفاوت‌های منطقه‌ای، سیاست‌های رفاهی را از عدالت دور می‌کند.

• حذف یارانه‌ها در شرایط فعلی چه تبعاتی به همراه دارد؟

حذف یارانه‌ها در شرایط کنونی، علاوه بر تأثیر مستقیم بر معیشت مردم، پیامدهای اجتماعی خطرناکی نیز دارد. احساس بی‌عدالتی، ناامیدی و فاصله‌ی روانی مردم از حاکمیت را تشدید می‌کند. جامعه‌ای که حس کند در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی صدایش شنیده نمی‌شود، دیر یا زود واکنش نشان می‌دهد؛ نه الزاماً از راه اعتراض خیابانی، بلکه از طریق کاهش اعتماد، مهاجرت، کاهش مشارکت اقتصادی و اجتماعی، و در نهایت، انفعال جمعی. دولت می‌گوید هدفش از این سیاست‌ها، «اصلاح ساختار اقتصادی» و «مدیریت منابع» است. اما واقعیت این است که بخش زیادی از هزینه‌های غیرمولد و نهادهای ناکارآمد همچنان سهم بزرگی از بودجه را می‌بلعند. حذف یارانه از مردم، آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین تصمیم برای دولت است؛ تصمیمی که باراصلاحات را از دوش ساختارهای ناکارآمد برمی‌دارد و به دوش مردم می‌اندازد. اگر هدف واقعی اصلاح ساختار اقتصادی است، باید از بالا شروع شود، نه از سفره مردم. واقعیت تلخ اینجاست که در سال‌های اخیر، مفهوم «یارانه» از یک ابزار حمایت اجتماعی به مسئله‌ای سیاسی و عددی تبدیل شده است. در حالی که فلسفه‌ی اصلی آن کاهش شکاف طبقاتی و تضمین حداقل رفاه برای همگان بود، امروز حذف آن بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی، عمل‌همان نابرابری را عمیق‌تر می‌کند. این سیاست، نه تنها قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد،

در حال فرورفتن در طبقات پایین‌تر است. تورم مزمن، افزایش مداوم هزینه‌ها و رکود اقتصادی باعث شده خانواده‌هایی که تا چند سال پیش از پس هزینه‌های زندگی برمی‌آمدند، امروز در تأمین نیازهای روزانه دچار مشکل شوند. این فرسایش تدریجی طبقه‌ی متوسط، زنگ خطری جدی برای ثبات اجتماعی است. فقر در ایران امروز فقط مفهومی اقتصادی نیست؛ پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و روانی گسترده‌ای دارد. کاهش امید به آینده، افزایش بزهکاری، مهاجرت‌های اجباری، و بی‌اعتمادی عمومی از جمله آثار گسترش فقر هستند. جامعه‌ای که بخش بزرگی از آن در گیر تأمین مایحتاج اولیه است، دیگر نیرویی برای مشارکت در توسعه، نوآوری یا تولید ندارد. فقر، انرژی اجتماعی را می‌بلعد و نه‌ایت به فروپاشی سرمایه‌ی انسانی منجر می‌شود. در چنین فضایی، سخن گفتن از حذف یارانه‌ها بدون ارائه‌ی برنامه‌ای روشن برای حمایت از معیشت مردم، بیشتر به بی‌توجهی به واقعیت جامعه شباهت دارد. تجربه‌ی سال‌های گذشته نشان داده که هرگاه دولت‌ها برای جبران کسری بودجه به حذف یا کاهش یارانه‌ها متوسل شده‌اند، نتیجه چیزی جز فشار بیشتر بر طبقات پایین و متوسط نبوده است. از سوی دیگر، هیچ ساز و کار شفاف‌ی برای اطمینان از اینکه منابع آزادشده از حذف یارانه صرف بهبود خدمات عمومی شود، وجود ندارد. بنابراین، در ذهن مردم، حذف یارانه‌ها معادل کم‌توجهی به زندگی آن‌هاست. مسئله‌ی اصلی، نداشتن تصویر واقعی از وضعیت اقتصادی خانوارهاست. وقتی سیاست‌گذار بر اساس میانگین‌های کلی تصمیم می‌گیرد، واقعیت‌های متنوع زندگی مردم در مناطق مختلف کشور نادیده گرفته می‌شود. هزینه‌ی زندگی در تهران با یک شهر کوچک یا روستا قابل مقایسه نیست؛ اما در نظام دهک‌بندی فعلی، این تفاوت‌ها چندان جدی گرفته نمی‌شود. در نتیجه، ممکن است خانواری در پایتخت با درآمد ۳۰ میلیون

بنگاهداری بانک‌ها باید به حداقل برسد



روح‌اله ایزدخواه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر لزوم اصلاح نظام بانکی کشور، مهار خلق پول را مهم‌ترین گام در حل بحران ناترازی بانک‌ها دانست. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: بانک‌های خصوصی از نظر شرعی و قانونی مجاز به خلق پول نیستند، زیرا تخلفات آن‌ها نسبت به بانک‌های دولتی بیشتر است و این روند باید به‌طور کلی کنترل شود. وی با انتقاد از گسترش بنگاهداری بانک‌ها گفت: ورود بانک‌ها به فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌هایی که بخش خصوصی توان حضور دارد، موجب تضعیف و شکست فعالان اقتصادی می‌شود. به گفته ایزدخواه بانک‌ها باید تنها در پروژه‌های کلان توسعه‌ای و آن هم با حداقل مالکیت و تصدی‌گری حضور یابند تا تعادل در اقتصاد حفظ شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در ادامه افزود: متأسفانه سهم تسهیلاتی که بانک‌ها به دلالتی و سوداگری اختصاص می‌دهند بیش از تسهیلات بخش تولید است. این امر نه تنها باعث گسترش فعالیت‌های غیرمولد می‌شود، بلکه افزایش قیمت کالا‌های اساسی، مسکن و سایر نیازهای مردم را نیز در پی دارد. وی با اشاره به نمونه‌هایی مانند پروژه ایران مال، تأکید کرد: چنین رویه‌هایی خطر ناک است و باید متوقف شود.

گروه اقتصاد کلان: اظهار نظر اخیر احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه «هر خانواده‌ای در تهران که مالک خانه باشد و ۳۰ میلیون تومان درآمد ماهانه داشته باشد، جزو سه دهک بالا محسوب می‌شود»، بحث گسترده‌ای درباره‌ی عدالت اجتماعی و واقعیت اقتصادی جامعه به راه انداخته است. دولت در تلاش است تا با چنین تعریفی، سیاست حذف یارانه از بخش بزرگی از جمعیت را توجیه کند؛ اما وقتی به اعداد و واقعیت‌های معیشتی مردم نگاه کنیم، درمی‌یابیم که این منطق نه تنها از واقعیت فاصله دارد، بلکه نشان‌دهنده‌ی شکاف عمیق میان تصمیم‌گیران و زندگی روزمره‌ی مردم است. به گزارش تجارت، طبق آمارهای رسمی، حدود ۳۲ میلیون نفر از مردم ایران زیر خط فقر قرار دارند؛ یعنی بیش از یک‌سوم جمعیت کشور توان تأمین نیازهای اولیه‌ی خود را ندارند. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی اعلام کرده که خط فقر مطلق در نیمه‌ی نخست سال ۱۴۰۳ برای یک فرد بیش از ۱۱ میلیون تومان بوده و برای خانوار چهار نفره حدود ۴۵ میلیون تومان برآورد می‌شود. با این حساب، خانواده‌ای که ماهانه ۳۰ میلیون تومان درآمد دارد، نه تنها ثروتمند نیست، بلکه حدود ۱۵ میلیون تومان کمتر از حداقل استاندارد لازم برای گذران زندگی در وضعیت فعلی درآمد دارد. این ارقام نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران در تعریف مفاهیم اقتصادی، به‌ویژه در تعیین دهک‌های درآمدی، از شرایط واقعی جامعه فاصله گرفته‌اند. در تهران، شهری که هزینه‌ی اجاره و معیشت روزبه‌روز بالا می‌رود، درآمد ۳۰ میلیون تومانی به سختی می‌تواند هزینه‌های ضروری خانواده‌ای متوسط را پوشش دهد. تنها اجاره‌ی یک آپارتمان معمولی در مناطق متوسط شهر بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان است. اگر خانواده‌ای مالک خانه باشد، همچنان با هزینه‌های نگهداری، قبوض، شارژ ساختمان، درمان، تحصیل و سایر مخارج روبه‌روست. با این حساب، چنین درآمدی نه‌شنه‌ای رفاه، بلکه تلاشی برای حفظ سطح حداقلی زندگی است. با این حال، دولت بر اساس شاخص‌هایی مانند مالکیت مسکن، گردش حساب بانکی یا داشتن خودرو، خانوارها را از دایره‌ی دریافت یارانه حذف می‌کند؛ شاخص‌هایی که لزوماً نشان‌دهنده‌ی وضعیت واقعی اقتصادی افراد نیستند. بسیاری از خانوارهای شهری ممکن است خانه‌ای داشته باشند که سال‌ها قبل خریده‌اند یا از والدین به ارث رسیده است، اما امروز با درآمدی ناچیز زندگی می‌کنند. بنابر این، استفاده از معیارهای صوری به جای شاخص‌های واقعی مانند هزینه‌ی زندگی، نسبت در آمد به هزینه و بدهی خانوار، منجر به اشتباه‌های گسترده در شناسایی دهک‌ها می‌شود.

• حذف یارانه، اقدامی در جهت تشدید نابرابری اقتصادی

در چنین شرایطی، سیاست حذف یارانه به جای آنکه ابزار عدالت باشد، به عاملی برای تشدید نابرابری تبدیل می‌شود. طبقه‌ی متوسط که ستون فقرات هر جامعه‌ای است، به سرعت

کارشناس پولی و بانکی مدعی شد

عزم جدی بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی



اهداف، در نهایت به بهبود خدمات مشتریان منجر می‌شود. بانک‌ها با تنظیم سیاست‌های اعتباری متناسب با حوزه هدف، قادر خواهند بود خدمات بهتری به مشتریان ارائه دهند. این کارشناس پولی و بانکی ادامه داد: تخصصی شدن بانک‌ها همچنین به بهبود مدیریت ریسک منجر می‌شود. با متمرکز شدن کسب و کار بانک، تنوع مشتریان کمتر می‌شود و این امر کنترل ریسک را تسهیل می‌کند. در نتیجه، بانک‌ها بهتر می‌توانند ریسک‌ها را مدیریت کنند، و با بیان اینکه تخصصی شدن بانک‌ها به افزایش رقابت در یک رشته خاص نیز منجر می‌شود، تأکید کرد: زمانی که بانک بر یک مشرتی خاص

بهبود مدیریت ریسک منجر می‌شود. با متمرکز شدن کسب و کار بانک، تنوع مشتریان کمتر می‌شود و این امر کنترل ریسک را تسهیل می‌کند. در نتیجه، بانک‌ها بهتر می‌توانند ریسک‌ها را مدیریت کنند، و با بیان اینکه تخصصی شدن بانک‌ها به افزایش رقابت در یک رشته خاص نیز منجر می‌شود، تأکید کرد: زمانی که بانک بر یک مشرتی خاص

یک مقام مسئول تشریح کرد:

جزئیات نحوه تخصیص ارز به واحدهای تولیدی مناطق آزاد

مناطق آزاد نداشتند. معاون اقتصادی دبیر خانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ادامه داد: برای کاهش این مشکل، جلسات مکرری با بانک مرکزی بر گزار کردیم و توانستیم شرایط تخصیص ارز جداگانه برای مناطق آزاد را از بانک مرکزی بگیریم و در نهایت مقرر شد تخصیص ارز به فعالان اقتصادی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به این شکل باشد که در مناطق آزاد کمیته تخصیص ارز تشکیل شده و در آن کمیته سازمان منطقه آزاد بر موبه با توجه به شناخت، ارزیابی و فاکتورها یا شاخص های

اثر گذار که دبیر خانه شورای عالی مناطق گرفته اند، واحدهای اقتصادی که نیاز از ارز دارند را احصا و به دبیر خانه اعلام می کنند؛ ما هم در دبیر خانه شورای عالی مناطق آزاد در قالب کمیته ارزی این پیشنهادها را بررسی کرده و تخصیص بینهه ارز را پیاده سازی می کنیم. وی درباره شاخص های تعیین مصادیق تخصیص ارز به فعالان اقتصادی مناطق آزاد گفت: برخی از مهمترین این شاخص ها شامل صادرات مجور بودن، میزان صرفه جویی ارزی، میزان اشتغال زایی و میزان ارزش افزوده ای

بیشتری برای کشور دارند را در اولویت قرار دهیم.